

# نقش فرهنگ در اولویت‌بندی اهداف و آرزوهای دانشجویان

## مطالعه موردی: دانشجویان ایرانی و آمریکایی

دکتر محمدرضا آهانچیان\*

هوشنگ گراوند\*\*

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۱

تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۲۹

### چکیده

مطالعه اثرات فرهنگ بر زندگی هدفمند به منزله یکی از عوامل مهم سلامت روان‌شناختی افراد، و همچنین عامل مؤثر بر شکل‌گیری هدف‌ها و اولویت‌بندی آن، یک موضوع چالشی و مهیج برای پژوهشگران است. هدف این پژوهش، مطالعه نقش فرهنگ در اولویت‌بندی اهداف و آرزوهای دانشجویان ایرانی و آمریکایی بود. این پژوهش به روش توصیفی طراحی و اجرا شد. نمونه شامل ۲۱۶ نفر دانشجوی ایرانی و ۱۶۴ نفر دانشجویان آمریکا بودند. پرسشنامه اهداف

ahanchi8@um.ac.ir

\* دانشیار روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

\*\* دانشجوی دکتری رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه لرستان. hoshanggaravand@gmail.com

و آرزوها توسط دانشجویان تکمیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) از روش‌های آمار استنباطی (تحلیل واریانس چند متغیری) استفاده شد. تحلیل یافته‌ها نشان داد که اولویت اول تا سوم برای تمام دانشجویان آمریکایی به ترتیب وابستگی، پذیرش خود و سلامتی و برای تمام دانشجویان ایرانی به ترتیب پذیرش خود، سلامتی و موفقیت مالی بود. در مقایسه بین جنسیت‌ها، اولویت اول تا سوم دانشجویان دختر آمریکایی به صورت وابستگی، پذیرش خود و کمک به اجتماع و دانشجویان ایرانی به صورت پذیرش خود، سلامتی و کمک به اجتماع بود. همچنین اولویت اول تا سوم دانشجویان پسر آمریکایی به صورت وابستگی، پذیرش خود و سلامتی و برای دانشجویان ایرانی به صورت پذیرش خود، موفقیت مالی و سلامتی بود. نتایج آزمون چند متغیره نشان داد که در خرده هدف‌های معنویت، سلامتی، وابستگی، همنوایی، محبوبیت، تصویر بدنی و موفقیت مالی بین دانشجویان ایرانی و آمریکایی تفاوت معناداری وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** فرهنگ، اولویت‌بندی اهداف و آرزوها، مدرنیته، دانشجویان ایرانی، دانشجویان آمریکایی.

## بیان مسأله

رفتارهای شخصی مانند انتخاب هدف و آرمان‌ها برای زندگی، اثرات روشنی بر چگونگی زندگی فردی دارند؛ این انتخاب‌ها ضمن این که دارای آثار اجتماعی هستند، خاستگاه آنها نیز اجتماع و فرهنگ آن است. به سخن دیگر، رفتار انسان‌ها تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد می‌یابند (Triandis, 2001: 907). فرهنگ شامل: قوانین، آداب و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. فلدمن و اشنايدر<sup>۱</sup> عقیده دارند که مطالعه اثرات

---

1. Feldman & Snyder

فرهنگ بر «زندگی هدفمند به منزله یکی از عوامل مهم سلامت روان‌شناختی افراد» بسیار دارای اهمیت می‌باشد (Feldman & Snyder, 2005: 401). بنابراین در هر فرهنگ، راه‌های زندگی کردن و اهداف زندگی متفاوت است. از این رو یکی از بهترین راه‌ها برای شناختن ویژگی‌های روانی انسان‌ها (هدفمند بودن)، قرار دادن آنها در زمینه فرهنگی‌شان است (علیق، آگیلار و فای، و رسول‌زاده طباطبائی، ۱۳۸۸: ۴۷). فهم تاثیر عوامل فرهنگی در شکل‌گیری هدف‌ها و اولویت‌بندی آن در همه گروه‌های سنی از جمله دانشجویان، یک موضوع چالشی و مهیج برای روانشناسان است. محور اصلی مطالعات اجتماعی بررسی همین آثار است (Berry, 2002؛ مهداد و مهدی‌زادگان، ۱۳۸۸: ۷۹). در واقع نه فقط جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی، که نوع بشر علاقمند به دانستن تاثیر فرهنگ بر کنش‌های روان‌شناختی افراد هستند. علیق و همکاران (۱۳۸۸) به تبع الگوی تایلر<sup>۱</sup>، اظهار می‌دارند که بدون در نظر گرفتن رابطه فرد با خانواده، گروه، و قوم خاص، که در یک کشور و در قلمرو فرهنگ خاص به سر می‌برند، تعریف انسان و کنش‌های رفتاری وی ناممکن است. بر این اساس پیش‌فرض این پژوهش آن است که دانشجویان نیز مانند سایر گروه‌ها، در تعامل با فرهنگ‌های مختلف، به مفهوم زندگی پی می‌برند و هدف‌های زندگی و اولویت‌بندی خود در آن، را تعیین می‌نمایند. در همین راستا، این پژوهش به تعیین نوع، اولویت‌بندی، و مقایسه اهداف و آرزوهای دانشجویان ایرانی و آمریکایی با تاکید بر فرهنگ‌جمع‌گرایی و فردگرایی این دو کشور می‌پردازد. اهمیت این پژوهش را می‌توان با محوریت رابطه کیفیت‌های شخصی با مختصات فرهنگی جامعه مورد التفات قرار داد. برای جامعه‌شناسان، آگاهی از نوع و ترجیح هدف‌ها و آرزوهای جوانان حامل پیام‌های مهمی است؛ به‌ویژه اگر این مطالعه در یک زمینه بین فرهنگی صورت گرفته باشد.

## اهداف پژوهش

۱. شناخت اولویت بندی اهداف و آرزوها برای تمام دانشجویان ایرانی و آمریکایی
۲. شناخت اولویت بندی اهداف و آرزوها برای دانشجویان دختر ایرانی و آمریکایی.
۳. شناخت اولویت بندی اهداف و آرزوها برای دانشجویان پسر ایرانی و آمریکایی.
۴. تعیین تفاوت میانگین اهداف و آرزوهای دانشجویان ایرانی و آمریکایی.

## چارچوب نظری

روانشناسان، مطالعات بین فرهنگی خود را از قرن ۱۹ آغاز کرده‌اند ( Berry, Dasen, & Sarawathi, 1997). این مطالعات در شکل ساخت یافته خود به شاخه مطالعاتی جدیدی در این قلمرو روانشناسی منجر شد که روان‌شناسی بین فرهنگی لقب گرفت. روان‌شناسی بین فرهنگی عبارت است از: مطالعه نظام‌دار روابط، بین زمینه فرهنگی تحول بشر و رفتارهایی که در مجموعه رفتارهای فردی اعضای یک فرهنگ خاص رشد می‌کند (Berry, Dasen, & Sarawathi, 1997). حوزه مطالعات روانشناسی بین فرهنگی، طیف گسترده‌ای از مفاهیم انتزاعی شامل: حقیقت تا مفاهیمی چون ادراک، شناخت، تحول، و رفتارهای اجتماعی مانند: پرخاشگری، و روابط بین گروهی را شامل می‌شود ( Segall, Dasen, & Berry, 1990). روان‌شناسی بین فرهنگی، شباهت‌ها و تفاوت‌های کنش‌وری روانشناختی افراد در فرهنگ‌های مختلف را مطالعه می‌کند (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۳). این مطالعه شامل متغیرهای مرتبط با این کنش‌ها و تغییرات آن نه فقط در فرهنگ‌های مختلف، که در هر فرهنگ در طول زمان است. از جمله این کنش‌ها می‌توان به انتخاب‌های فردی در هدف‌های زندگی بر اساس جوامع و فرهنگ‌های مختلف توجه

کرد. در ادامه سخن نخست مهمترین ملاک‌ها و نظریه‌هایی که به ترتیب از زمان تأسیس این رشته در پژوهش‌ها و در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته‌اند بررسی و تشریح خواهند شد و در ادامه اهداف براساس مهمترین نظریه‌های موجود در این زمینه تبیین می‌شوند.

### مدرنیسم: مرور معیارهای فرهنگی غرب

مدرنیسم یکی از اولین نظریه‌هایی است که مبنای پژوهش‌های بین فرهنگی قرار گرفته است. «مدرنیته» از یک منظر به معنای پذیرش ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی مغرب زمین به کار می‌رود. «مدرنیست» رشد یافته و مطلوب محسوب می‌شود و برای توصیف نقطه مقابل آن از واژه «سنتی»<sup>۱</sup> استفاده می‌شود. در این نظریه، انگیزه موفقیت<sup>۲</sup> معقول، ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی مغرب زمین متأثر از مذهب پروتستان فرض می‌شود و نظر بر این است که انگیزه موفقیت زیاد، موجب پیشرفت صنعتی جوامع غربی شده است. بر مبنای پژوهش‌هایی که مبتنی بر مدرنیسم انجام شده است، نتیجه گرفته می‌شود که پذیرش ارزش‌های مدرن غربی شرط وصول به صنعت پیشرفته و رفاه و آسایش اجتماعی است. با پیشرفت صنعتی سریع کشور ژاپن که دارای مذهب و ارزش‌ها و معیارهای کاملاً متفاوت از ارزش‌های فرهنگی مدرن غربی است، انتقادهای منطقی از «مدرنیسم» آغاز می‌شود. همزمان، کوشش‌هایی برای ارائه تعریفی مدرن از «سنتی» که در «مدرنیسم» به معنی رشد نیافته به کار می‌رود، صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، تریاندیس، فرهنگی را «سنتی» توصیف می‌کند که در آن قیود رفتاری بیشتری وجود دارد. از این دیدگاه، سنتی بیانگر ارزش معین مانند رشد نیافته و وحشی نیست بلکه سنتی، به فرهنگ‌هایی اطلاق می‌شود که جامعه را به رعایت حدود مشخص‌تری مقید می‌کنند. قیود رفتاری بدون توجه به ویژگی‌های موقعیتی که رفتار در آن واقع می‌شود نه خوب

---

1. Traditional  
2. achievementmotivation

هستند و نه بد. بسیاری معیارهای اجتماعی و آداب و رسوم فرهنگی که زندگی جمعی را امکان‌پذیر ساخته و در پیشرفت جوامع مؤثر واقع می‌شوند (مرتضوی، ۱۳۷۱: ۴۰). هدف‌ها و آرزوهای مردم در فرهنگ‌هایی که به سمت مدرن یا سنتی گرایش دارند تحت تأثیر این ویژگی قرار دارند. وجود قواعد سخت برای تنظیم رفتار فرد در جامعه، به هدف‌های آنان جهت و شدت می‌بخشد.

### افتراق روان‌شناختی

در رده دیگری از پژوهش‌های بین‌فرهنگی «افتراق روان‌شناختی»<sup>۱</sup> ملاک مقایسه قرار می‌گیرد و این ملاک تابع روش‌های تربیتی و سنتی جوامع فرض می‌شود که بیش از هر پدیده دیگری فرهنگ را منعکس می‌کند. برخی صاحب‌نظران جوامع و افراد «افتراق یافته‌تر» را از نظر «شیوه‌های شناخت»<sup>۲</sup> مستقل از میدان توصیف می‌کنند و چنین نظر می‌دهند که: افراد مستقل از میدان، در فرآیند ادراک و شناخت، سازمان ظاهری میدان را درهم می‌ریزند و با تحلیل پدیده‌ها، ارتباطات جدید را کشف می‌کنند. آنان از نظر رفتارهای هیجانی آرام و متعادلند و کمتر از افراد «تابع»، تحت تأثیر فشار عقاید عمومی قرار می‌گیرند. از تعدادی از پژوهش‌های مبتنی بر این نظریه چنین استنباط می‌شود که میزان افتراق روان‌شناختی اعضای هر جامعه، تابع ویژگی‌های ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی آن جامعه است که در روش‌های تربیتی سنتی انعکاس می‌یابد. در جوامعی که برای آموزش رفتارهای مطلوب فرهنگی از تشویق استفاده می‌شود، (روش‌های تربیتی حمایت‌کننده یا دمکراتیک مانند جوامع غربی)، اعضای جامعه از نظر افتراق روان‌شناختی رشد می‌یابند و مستقلاز میدان می‌شوند. اما در فرهنگ‌هایی که به طور سنتی، روش‌های تربیتی استبدادی اعمال و برای آموزش رفتارهای مطلوب فرهنگی از

---

1. Psychological differentiation  
2. Cognitive styles

نقش فرهنگ در اولویت‌بندی اهداف و ... ۱۳۳

تنبیه استفاده می‌شود، از نظر افتراق نیز رشد کمتری دیده می‌شود. (مرتضوی، ۱۳۷۱). به- نظر می‌رسد که در فرهنگ‌هایی با افتراق کم، آرزوها و هدف‌ها، کمتر آرمان‌گرایانه و ماجراجویانه باشد و جوانان، بیشتر به تعقیب هدف‌هایی می‌پردازند که پدران‌شان برای خود در نظر داشته‌اند و یا از وجاهت و اقبال عمومی‌ بیشتری برخوردار هستند.

### ملاک‌های جمع‌گرایی و فردگرایی

در تعداد قابل توجهی از تحقیقات بین فرهنگی دههٔ اخیر، برای توصیف شرایط فرهنگی جوامع مختلف از ملاک‌های «جمع‌گرایی»<sup>۱</sup> و «فردگرایی»<sup>۲</sup> فرهنگی استفاده شده که یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای فرهنگی می‌باشد (Triandis, Bontempo, Villareal, Asai, & Lucca, 1988: 323). هوفستد<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) بیان می‌دارد که در فرهنگ‌های جمع‌گرا افراد احساس می‌کنند که عمیقاً به گروه و اجتماع خود تعلق خاطر دارند. در این جوامع بر صداقت و وفاداری به گروه تأکید شده، تصمیم‌های گروه بر تصمیم‌های فردی ارجحیت داده می‌شود و رفتار افراد با قوانین، اهداف و ارزش‌های گروه محک می‌خورد. این در حالی است که در فرهنگ‌های فردگرا خود فرد و امیال و احساسات او اهمیت بیشتری دارد. افراد دارای فرهنگ فردگرا وابستگی‌های درون‌گروهی گسترده‌ای ندارند و احتیاجات و علایق دیگران را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند. مطالعات قبلی نشان داده‌اند که جمع‌گرایی بیشتر در کشورهای آسیایی دیده می‌شود و نمونه‌های بارز آن چین، هنگ‌کنگ، هند، ژاپن، پاکستان و تایوان می‌باشند. پژوهش‌های بین فرهنگی نیز نشان می‌دهند که ایران نیز کشوری جمع‌گراست. از سوی دیگر، فردگرایی بیشتر در کشورهای غربی دیده می‌شود که بارزترین نمونه‌های آن استرالیا، انگلستان، کانادا و آمریکا می‌باشند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷). با این حال درون هر جامعه (چه شرقی و چه غربی)

- 
1. Collectivism
  2. Individualism
  3. Hofstede

افرادى از هر دو گروه وجود دارند ( Triandis, Leung, Villareal, & Clack, 1985: 395). فردگرایی و جمع‌گرایی خود به انواع عمودی و افقی تقسیم می‌شوند. جمع‌گرایی عمودی بر ضرورت وجود یک هرم ساخته یافته قدرت و تقدم جمع بر فرد تاکید دارد. در جمع‌گرایی افقی بر هویت جمعی و هماهنگی عمودیرقابت بین فردی و تلاش برای دستیابی به جایگاه بالاتر در هرم قدرت تشویق می‌شود و سرانجام فردگرایی افقی بر استقلال فردی، خود شکوفایی، تساهل و احترام به حریم خصوصی ارج می‌گذارد (Triandis & et al, 1988:323).

اهداف زندگی دلایلی هستند که افراد برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند و نقش مهمی در برانگیختگی فرد دارند (Ryan & Pintrich, 1977: 329). تا آنجا که برخی از روانشناسان اعتقاد دارند که جایگاه و اهمیت اهداف برای برخوردار بودن از یک زندگی خوب و شاد، امری انکار ناپذیر و غیر قابل کتمان است (King & et. Al, 2006: 179). برخی مولفان با توجه به یافته‌های موجود، ادعا نموده‌اند که وجود و احساس هدفمندی در زندگی مانند کلیدی است که می‌تواند قفل و گره مشکلات زندگی را باز نماید و باعث شود تا افراد کنش‌های مثبتی انجام دهند. به همین لحاظ اغلب زندگی هدفمند را از عوامل مهم سلامت روان‌شناختی می‌دانند (Feldman & Snyder, 2005: 249)؛ Snyder, 2002). به طور کلی از دهه ۱۹۸۰ در پژوهش‌های روانشناسی در مورد اهداف زندگی یک تحول رخ داد. پژوهشگران از دیدگاه‌های متفاوت شروع به بررسی وسیع فرآیندها و ابعاد مربوط به فعالیت‌ها و آرزوهایی که مردم غالباً به دنبال آن بودند، نمودند (pervin, 1989). باید یادآور شد که قبل از این مطالعه، آرزوها و اهداف زندگی دانشجویان زمینه مطالعاتی مجموعه‌ای از نظریات جامعه‌شناسی و روانشناسی بوده است. در حوزه جامعه‌شناسی، نظریه‌های «محرومیت نسبی»<sup>۱</sup> دیویس<sup>۲</sup> (Davis, 1996) و نظریه

---

1. relative deprivation  
2. Davis



«فشار محیطی»<sup>۱</sup> تیستلویت و ویلر<sup>۲</sup> (Thistlethwaite, & Wheeler, 1966) از جمله نظریاتی هستند که به تبیین اهداف زندگی جوانان پرداخته‌اند. در نظریه فشار محیطی بیان می‌شود که پیشرفت و آرزوها و اهداف زندگی جوانان نتیجه‌ای است که از بافت اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. در نظریه محرومیت نسبی جیمز دیویس بیان می‌شود که در یک چارچوب گروهی، مرجع انتخاب اهداف زندگی در بین دانشجویان نتیجه عزت نفس یا خودپنداری آنان است (Davis, 1996: 227). از طرفی در حوزه روانشناسی نظریه انگیزشی «خود تعینی»<sup>۳</sup> دسی و رایان<sup>۴</sup> (Grouzet & et. el, 2005: 800) به تبیین اهداف زندگی جوانان پرداخته است. در این نظریه محتوای اهداف زندگی یا آرزوهای جوانان به دو گروه بیرونی و درونی تقسیم می‌شوند (Kasser, & Ryan, 1996: 1996) که در واقع می‌توان اهداف بیرونی را مبتنی بر نظریه فشار محیطی و اهداف درونی را مبتنی بر نظریه محرومیت نسبی در نظر گرفت. دیدگاهی که در این پژوهش مبنا قرار گرفته است ترکیبی از نظریه خود تعینی و نظریه فرهنگ جمع‌گرا و فردگرا می‌باشد. چون که رفتار انسان‌ها تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد می‌یابند (Triandis, 2001: 907). فرهنگ، مفهوم بسیار پیچیده‌ای است که تقریباً امکان ارائه یک تعریف دقیق را از مطالعه‌کنندگان خود سلب می‌کند. بهتر از همه می‌توان فرهنگ را یک نظام معنایی و نشانگانی دانست. در این صورت فرهنگ «دربرگیرنده کل رفتارهای انسان و رمزگان‌هایی است که به آن رفتارها ارزش می‌بخشد و آنها را قابل درک می‌کند» (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۴۲). هوفستد<sup>۵</sup> (۱۹۸۱) می‌گوید: با توجه به الگوی فرهنگ جمع‌گرا که افراد احساس می‌کنند عمیقاً به گروه و اجتماع خود تعلق خاطر دارند و در این جوامع بر صداقت و وفاداری به گروه تأکید شده، تصمیم‌های گروه بر تصمیم‌های فردی ارجحیت داده می‌شود، و رفتار افراد با قوانین، اهداف و ارزش‌های گروه محک

- 
1. environmental-press
  2. Thistlethwaite, & Wheeler
  3. self- determination
  4. Deci, & Ryan
  5. Hofstede

می‌خورد، اما با توجه به الگوی فرهنگ فردگرا که خود فرد و امیال و احساسات او اهمیت بیشتری دارد افراد دارای فرهنگ فردگرا وابستگی‌های درون گروهی گسترده‌ای ندارند و احتیاجات و علایق دیگران را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند، (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷) و با در نظر داشتن این پیش‌فرض اساسی که افراد دارای اهداف بیرونی بیشتر بر تأکید دیگران تأکید می‌کنند و منابع بیرونی، تنظیم رفتار و نگرش آنان را در اختیار می‌گیرد (Kasser, & Ryan, 1985: 280) می‌توان افراد دارای اهداف بیرونی را دارای فرهنگ جمع‌گرا و افراد دارای اهداف درونی را دارای فرهنگ فردگرا در نظر گرفت. دسی و رایان، (۲۰۰۰) اهداف درونی را شامل «پذیرش خود»، «معنویت»، «حس کمک به اجتماع» و «سلامت جسمی» و اهداف بیرونی را شامل «محبوبیت»، «وابستگی به جمع»، «همنوایی»، «تصویر بدنی» «لذت» و «موفقیت مالی» می‌دانند. با توجه به آنچه در رابطه با الگوی فرهنگ فردگرا و جمع‌گرا و اهداف درونی و بیرونی بیان شد می‌توان گفت که به مولفه‌های پذیرش خود، موفقیت مالی، سلامت جسمی و لذت، بیشتر در فرهنگ‌های فردگرا و به مولفه‌های محبوبیت، همنوایی، وابستگی به جمع، حس کمک به اجتماع، تصویر بدنی و معنویت، بیشتر در فرهنگ‌های جمع‌گرا بها داده می‌شود. همزمان با توسعه رشته‌های بین فرهنگی و نتایج تحقیقات در آن حوزه، امروز در این باره تردید کمی وجود دارد که فرهنگ می‌تواند ویژگی شخصیتی افراد و متغیرهای اجتماعی رفتار مانند رضایت شغلی را از خود متأثر سازد (Berry, 2002; & Kitayama, 2010; Cohen, 2010; محمدی، ۱۳۸۷: ۳۳). در یک نمونه تحقیق، صلاحیت روانی-اجتماعی دانشجویان ایرانی و لبنانی با یکدیگر مقایسه شد و وجود تفاوت معنادار در برخی مولفه‌های این صلاحیت به تأیید رسید (علیق، آگیلار وفایی، و رسولزاده طباطبائی، ۱۳۸۸: ۴۷). در تحقیقی دیگر میانگین نمرات شیوه دانستن مستقل و فردگرایی به طور معنادار در دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر و در دانشجویان ایرانی بیشتر از دانشجویان آمریکایی بود (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷). همچنین تفاوت مشابهی در مورد رضایت شغلی معلمان ایران و هندوستان مشاهده شد (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۳). در

دختران ایرانی تمایلات جمعی نقش مهمی در شکل‌گیری مفهوم خود و سلامت روانی دارد در حالی که در دختران کانادایی حرمت خود فردی نقش بیشتری در سلامت روانی ایفا می‌کند (غضنفری، ۱۳۸۵: ۱۲۱). اصلی‌ترین تفسیر برای این تفاوت‌ها، عامل فرهنگ بوده است. محققان دیگری محتوای اهداف را به عنوان راهی برای درک چگونگی سازماندهی زندگی مردم و انواع اهدافی که برای آن تلاش می‌کنند بررسی نمودند (Roseth, Lee, McInerney, Liem, & Ortiga, 2010; Krings & et. Al, 2008; Sheldon, & Kasser, Roberts, & Robins, 2000; Johnson, & Johnson, 2008; Kasser, & Ryan, 1996, 1995). گیسون، ایوانکوویچ و دونللی<sup>۱</sup> ویژگی‌های اهداف تاثیرگذار بر انگیزه افراد را این گونه بیان می‌کنند: اول، اهداف باید مورد پذیرش باشند و با ارزش‌های شخص در تضاد نباشند. اگر افراد در تعیین اهداف و مقاصد خویش اجازه دخالت و اظهار نظر داشته باشند، اغلب موجب گسترش اهداف و پذیرش و انجام آن توسط فرد می‌شود. دوم، اهداف مورد پذیرش در صورتی که چالش برانگیز اما دست‌یافتنی باشند، می‌توانند برانگیختگی را ایجاد کنند. به عبارت دیگر اهداف سطح بالا نسبت به اهدافی که دستیابی به آنها غیر ممکن است عملکرد بهتری را بر می‌انگیزند. سوم، اهداف باید مشخص، عینی و قابل اندازه‌گیری باشند (Gibson, Ivancevich & Donnelly, 2004). با این وجود از بین نظریه‌هایی که ذکر شد، اگر چه نظریه «فرهنگ جمع‌گرا و فردگرا» و نظریه «خود تعینی» دسی و رایان با دیدگاه جدید در حوزه اهداف زندگی و آرزوهای جوانان مطابقت بیشتری دارند، و به نظر می‌رسد از توانایی تبیین عمیق‌تری در این رابطه برخوردار باشند، در عین حال چنین به نظر می‌رسد که محدودیت‌هایی نیز دارند؛ اول این که، اگر چه تعمیم‌پذیری بین فرهنگی در خصوص تفاوت بین اهداف درونی و بیرونی وجود دارد، اما این موضوع احتمالاً در مورد کشورهای صنعتی صادق است که به طور معمول شامل کشورهای غربی است. این امر لزوم انجام مطالعات گسترده بویژه در فرهنگ‌های شرقی را نشان می‌دهد (Grouzet &

---

1. Gibson, Ivancevich & Donnelly

800: 2005, et. el). دوم، در این برهه زمانی از جنبه نظریه‌های رشد، به نظر می‌رسد که اهداف درونی و بیرونی اساساً مساوی و برابر هستند، در حالی که ممکن است بین آنها تفاوت‌های عمده‌ای در هر کدام از اهداف شخصی وجود داشته باشد. سوم اگر چه ممکن است محتوای هدف زندگی در فرهنگ‌های متفاوت ظاهراً در بیان یکسان به نظر برسند، اما به لحاظ معنایی ممکن است که محتوای یکسان در دو فرهنگ به طور کامل متفاوت باشند (Grouzet & et. el, 2005). چنین به نظر می‌رسد که هیچ کدام از نظریه‌های یاد شده به تنهایی و به طور کامل نمی‌توانند پدیده اهداف زندگی و آرزوهای دانشجویان را تبیین نمایند. احساس می‌شود که باید شرایطی را آنها، این نظریه‌ها قادرند پدیده هدف و آرزوها را تبیین نمایند در نظر گرفته شود چون بافت‌های فرهنگی متفاوت و مجموعه شرایط فرهنگی در تعیین اولویت اهداف زندگی می‌توانند نقش موثری داشته باشند و پی بردن به این تفاوت‌ها می‌تواند به درک و فهم بیشتر فرهنگ‌ها و برنامه‌ریزی جهت اهداف زندگی جوانان در هر فرهنگ کمک نماید.

### سوالات پژوهش

- ۱- اولویت بندی اهداف و آرزوها برای تمام دانشجویان ایرانی و آمریکایی چگونه است؟
- ۲- اولویت بندی اهداف و آرزوها برای دانشجویان دختر ایرانی و آمریکایی چگونه است؟
- ۳- اولویت بندی اهداف و آرزوها برای دانشجویان پسر ایرانی آمریکایی چگونه است؟
- ۴- آیا بین میانگین اهداف و آرزوهای دانشجویان ایرانی و آمریکایی تفاوت معناداری وجود دارد؟

## روش

روش تحقیق حاضر از نوع تحقیق توصیفی انتخاب شد. جامعه آماری پژوهش در نمونه ایرانی شامل دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و در نمونه امریکایی، شامل دانشجویان دانشگاه میسوری در ایالت کلمبیا<sup>۱</sup> بودند. از دانشگاه فردوسی مشهد با روش نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ای به حجم ۲۵۰ نفر انتخاب و به همان تعداد پرسشنامه بین آنها توزیع شد، اما نمونه نهایی شامل ۲۱۰ نفر با نرخ تکمیل ۸۴ درصد بود. از این میان در نمونه دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۱۶ نفر مرد (۵۵٪) و ۹۴ نفر زن (۴۵٪) بودند. همچنین نمونه ۱۶۴ نفری امریکایی شامل ۵۸ نفر مرد (۳۵٪) و ۱۰۶ نفر زن (۶۵٪) بودند.

## ابزار جمع‌آوری داده‌ها

پرسشنامه اهداف و آرزوها: این نسخه از پرسشنامه اهداف و آرزوها، مبتنی بر نسخه پیشین کاسر و رایان (۱۹۹۳، ۱۹۹۶) می‌باشد که شامل ۱۱ حوزه از اهداف متفاوت می‌باشد. این پرسشنامه شامل ۵۷ هدف می‌باشد که افراد ممکن است در آینده برای خود انتخاب کنند. افراد به دو صورت به هر سوال جواب می‌دادند، اول این که هر هدف چقدر برای آن‌ها اهمیت دارد و دوم این که شانس دستیابی برای رسیدن به هر هدف برای آنها چقدر است. آزمودنی‌ها برای اهمیت هر هدف در آینده از ۱ (اصلاً اهمیت ندارد) تا ۹ (بشدت اهمیت دارد) جواب می‌دادند و در ادامه برای شانس دستیابی به هر هدف از ۱ (اصلاً شانس ندارم) تا ۹ (بشدت شانس دارم) جواب می‌دادند. هشت تا از خرده مقیاس‌های آن منطبق بر مطالعات پیشین (کاسر، ۱۹۹۶، کاسر و رایان، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶) بودند که شامل ابعاد زیر بودند: موفقیت اقتصادی (۴ سوال)، تصویر بدنی (۵ سوال)، محبوبیت (۴ سوال)، پذیرش خود (۷ سوال)، وابستگی (۶ سوال)، حس

---

1. The University of Missouri at Columbia

اجتماعی (۴ سوال)، سلامت جسمانی (۵ سوال)، و معنویت (۷ سوال) سه خرده مقیاس دیگر برای این مطالعه توسعه یافت که شامل همنوایی (۵ سوال)، لذت (۵ سوال) و امنیت (۵ سوال) می‌باشد. گروزت و همکاران (۲۰۰۵) برای محاسبه همسانی درونی سوالات در بین فرهنگ‌های مختلف از آلفای کرونباخ استفاده کردند و برای افزایش همسانی درونی سوالات تصمیم گرفتند از خرده مقیاس‌های محبوبیت، همنوایی، وابستگی، حس اجتماعی، امنیت و سلامتی هر کدام یک سوال حذف کنند و از خرده مقیاس‌های لذت و معنویت نیز هر کدام دو سوال حذف کنند تا مقدار آلفای کرونباخ هر یک از خرده مقیاس‌ها و مقیاس کل را افزایش دهند و همسانی درونی هر یک از خرده آزمون‌ها را برای اهمیت اهداف و شانس دستیابی به آنها به ترتیب، موفقیت اقتصادی، ۰/۸۴ و ۰/۸۳؛ تصویر بدنی، ۰/۷۶ و ۰/۷۴؛ همنوایی، ۰/۶۷ و ۰/۶۲؛ محبوبیت، ۰/۷۳ و ۰/۷۱، پذیرش خود، ۰/۷۹ و ۰/۷۳؛ وابستگی، ۰/۸۱ و ۰/۷۵؛ حس اجتماعی، ۰/۷۵ و ۰/۷۱؛ سلامت جسمی، ۰/۷۲ و ۰/۷۴؛ لذت، ۰/۷۰ و ۰/۷۲؛ امنیت، ۰/۷۱ و ۰/۷۰؛ معنویت، ۰/۹۰ و ۰/۸۷ گزارش کردند. برای محاسبه روایی سازه از تحلیل عاملی تاییدی استفاده کردند که بیشتر شاخص‌های استخراج شده حاکی از مناسب بودن روایی سازه این مقیاس می‌باشند.  $SB X^2 (979, N= 1854)= 4646/93, P< 0/001, CFI= 0/87$   $SRMR= 0/050, RMSEA= 0/045 (90\% CI: 0/044, 0/046)$  و گراوند (۱۳۹۰) پرسشنامه یاد شده را پس از ترجمه و احراز روایی محتوایی و مناسبت فرهنگی، زبانی و روان‌شناختی اجرا کردند. پایایی سوالات را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای اهمیت اهداف و آرزوها در خرده هدف‌های امنیت، لذت، معنویت، سلامتی، حس اجتماعی، وابستگی، پذیرش خود، همنوایی، محبوبیت، تصویر بدنی، موفقیت مالی، و کل پرسشنامه به ترتیب برابر ۰/۰۷، ۰/۴۶، ۰/۸۸، ۰/۷۶، ۰/۶۶، ۰/۵۲، ۰/۸۲، ۰/۶۷، ۰/۷۴، ۰/۶۴، ۰/۸۰، ۰/۹۳ به دست آوردند و برای شانس دستیابی به اهداف و آرزوها در خرده هدف‌های امنیت، لذت، معنویت، سلامتی، حس اجتماعی، وابستگی، پذیرش خود،

## نقش فرهنگ در اولویت‌بندی اهداف و ... ۱۴۱

همنوایی، محبوبیت، تصویر بدنی، موفقیت مالی، و کل پرسشنامه به ترتیب برابر ۰/۴۶، ۰/۶۷، ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۸۰، ۰/۶۲، ۰/۸۸، ۰/۷۰، ۰/۷۰، ۰/۶۲، ۰/۸۵، ۰/۹۶ محاسبه کردند. بجز خرده هدف امنیت که از همسانی درونی مطلوبی برخوردار نبوده و در ادامه، از تحلیل کنار گذاشته شده است بقیه خرده هدف‌ها چه در اهمیت اهداف و آرزوها و چه در شانس دستیابی به اهداف و آرزوها از همسانی درونی رضایت بخشی برخوردار بودند. همچنین برای روایی سازه از تحلیل عاملی تاییدی استفاده کردند که شاخص‌های ذکر شده حاکی از روایی سازه عاملی مناسب ابزار است /

( $\chi^2 = 1850/92$ ,  $df=815$ ,  $RMSEA=0.09$ ,  $NFI=0/95$ ,  $NNFI=0/93$ )

## یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری، مانند میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای مورد مطالعه بود. تعداد کل پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده از دانشجویان ایرانی ۲۱۰ نفر بود. میانگین و انحراف معیار آنها در اهمیت اهداف و آرزوها در خرده هدف‌های لذت جنسی (۲۱/۲۱، ۴/۰۷)، معنویت (۳۴/۳۶، ۱۰/۱۴)، سلامتی (۳۱/۴۹، ۵/۴۱)، اجتماع (۲۲/۷۳، ۴/۵۵)، وابستگی (۳۲/۴۱، ۵/۷۱)، پذیرش خود (۵۵/۷۶، ۷/۵۴)، همنوایی (۲۵/۰۸، ۶/۰۲)، محبوبیت (۲۰/۰۸، ۵/۶۳)، تصویر بدنی (۳۰/۹۱، ۷/۷۵) و موفقیت مالی (۳۰/۶۰، ۵/۴۸) محاسبه شد. تعداد کل دانشجویان آمریکایی ۱۶۴ نفر بوده است. میانگین و انحراف معیار آنها در اهمیت اهداف و آرزوها در خرده هدف‌های لذت جنسی (۲۱/۳۷، ۴/۱۹)، معنویت (۳۱/۶۸، ۱۱/۹۶)، سلامتی (۳۰/۲۲، ۴/۶۵)، اجتماع (۲۲/۴۴، ۳/۷۶)، وابستگی (۴۱/۶۳، ۴/۹۱)، پذیرش خود (۵۴/۷۳، ۵/۴۰)، همنوایی (۲۲/۵۵، ۶/۴۶)، محبوبیت (۱۸/۶۰، ۵/۵۲)، تصویر بدنی (۲۷/۸۹، ۹/۱۴) و موفقیت مالی (۲۵/۱۳، ۷/۳۸) محاسبه شده است. تعداد دانشجویان پسر ایرانی ۱۱۶ نفر بوده است. میانگین و انحراف معیار اهمیت اهداف و آرزوها برای این گروه در خرده هدف‌های

لذت جنسی (۲۱/۷۵، ۴/۱۵)، معنویت (۳۲/۴۲، ۱۰/۵۱)، سلامتی (۲۳/۳۶، ۶/۷۲)، اجتماع (۲۲/۴۱، ۴/۷۱)، وابستگی (۳۲/۲۳، ۶/۱۷)، پذیرش خود (۵۴/۴۶، ۸/۶۰)، همنوایی (۲۳/۹۸، ۶)، محبوبیت (۱۹/۶۸، ۶/۱۰)، تصویر بدنی (۲۹/۸۲، ۸/۱۲) و موفقیت مالی (۳۰/۷۸، ۵/۳۷) محاسبه شد. تعداد دانشجویان پسر آمریکایی ۵۸ نفر بوده است که میانگین و انحراف معیار اهمیت اهداف و آرزوها برای آنها در خرده هدف‌های لذت جنسی (۲۱/۸۸، ۴/۱۲)، معنویت (۲۹/۴۳، ۱۲/۷۵)، سلامتی (۳۰/۷۶، ۴/۰۴)، اجتماع (۲۱/۹۰، ۴/۰۹)، وابستگی (۴۰/۰۹، ۶/۱۰)، پذیرش خود (۵۳/۸۱، ۵/۷۹)، همنوایی (۲۲/۹۰، ۶/۲۰)، محبوبیت (۱۹/۰۹، ۵/۰۵)، تصویر بدنی (۲۶/۹۱، ۹/۰۸) و موفقیت مالی (۲۵/۹۶، ۷/۴۱) محاسبه شده است. تعداد دانشجویان دختر ایرانی ۹۶ نفر با میانگین و انحراف معیار اهمیت اهداف و آرزوها در خرده هدف‌های لذت جنسی (۲۲/۱۴، ۳/۹۸)، معنویت (۳۶/۷۵، ۹/۱۵)، سلامتی (۲۶/۹۷، ۶/۷۴)، اجتماع (۲۳/۳۱، ۴/۴۱)، وابستگی (۱۸/۷۴، ۵/۵۴)، پذیرش خود (۳۲/۶۳، ۵/۱۱)، همنوایی (۲۶/۴۳، ۵/۷۴)، محبوبیت (۲۰/۵۶، ۴/۹۷)، تصویر بدنی (۳۲/۲۵، ۷) و موفقیت مالی (۳۰/۳۸، ۵/۶۴) محاسبه شد. تعداد دانشجویان دختر آمریکایی ۱۰۶ نفر بوده است. میانگین و انحراف معیار اهمیت اهداف و آرزوها برای دانشجویان دختر در خرده هدف‌های لذت جنسی (۲۱/۰۹، ۴/۲۲)، معنویت (۳۲/۹۰، ۱۱/۳۸)، سلامتی (۲۹/۹۲، ۴/۹۵)، اجتماع (۲۲/۷۴، ۳/۵۵)، وابستگی (۴۲/۴۸، ۳/۹۰)، پذیرش خود (۵۵/۲۳، ۵/۱۴)، همنوایی (۲۲/۳۶، ۶/۶۲)، محبوبیت (۱۸/۳۳، ۵/۷۷)، تصویر بدنی (۴۲/۲۸، ۹/۱۷) و موفقیت مالی (۲۴/۶۷، ۷/۳۷) به دست آمده است.

۱- اولویت‌بندی اهداف و آرزوها برای کل دانشجویان ایرانی و آمریکایی چگونه

است؟

جدول صفحه بعد اولویت‌بندی اول تا سوم دانشجویان ایرانی و آمریکایی را نشان

می‌دهد.



نقش فرهنگ در اولویت‌بندی اهداف و ... ۱۴۳

جدول ۱- میانگین کل دانشجویان ایرانی و آمریکایی در اهمیت اهداف و آرزوها

متغیرها	موفقیت مالی	اجتماع	محبوبیت	همنوایی	پذیرش خود	وابستگی به جمع	سلامتی	لذت جنسی	معنویت	تصویر بدنی
میانگین دانشجویان آمریکایی	۶/۲۸	۷/۴۸	۶/۲۰	۵/۶۴	۷/۸۱	۸/۳۳	۷/۵۵	۷/۱۲	۶/۳۳	۵/۵۸
میانگین دانشجویان ایرانی	۷/۶۵	۷/۵۸	۶/۶۹	۶/۲۷	۷/۹۷	۶/۴۸	۷/۸۷	۷/۳۱	۶/۸۷	۶/۱۸

برای مقایسه اهداف دانشجویان ایرانی و آمریکایی سوالات به مقیاس واحدی تبدیل شد: یعنی مجموع هر خرده هدف بر تعداد سوالات آن تقسیم گردید تا مبنایی برای مقایسه اهداف دانشجویان در دو کشور فراهم گردد. همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود اولویت اول تا سوم دانشجویان آمریکایی به ترتیب عبارتند از: وابستگی، پذیرش خود و سلامتی و اولویت اول تا سوم دانشجویان ایرانی به ترتیب عبارتند از پذیرش خود، سلامتی و موفقیت مالی.

۲- اولویت بندی اول تا سوم اهداف و آرزوها برای دانشجویان دختر ایرانی و آمریکایی چگونه است؟

مطابق با داده‌ها و تحلیل به عمل آمده در جدول ۲، اولویت‌بندی اول تا سوم دانشجویان دختر ایرانی و آمریکایی به شرح جدول ۲ به دست آمد.

جدول ۲- میانگین نمره دانشجویان دختر ایرانی و آمریکایی در اهمیت اهداف و آرزوها

متغیرها	موفقیت مالی	اجتماع	محبوبیت	همنوایی	پذیرش خود	وابستگی به جمع	سلامتی	لذت جنسی	معنویت	تصویر بدنی
میانگین دانشجویان آمریکایی	۶/۱۶	۷/۵۸	۶/۱۱	۵/۵۹	۷/۸۹	۸/۴۹	۷/۴۸	۷/۰۳	۶/۵۸	۵/۶۸
میانگین دانشجویان ایرانی	۷/۵۹	۷/۷۱	۶/۸۵	۶/۶۰	۸/۱۹	۶/۵۳	۸/۱۰	۷/۳۸	۷/۳۵	۶/۴۵

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود اولویت اول تا سوم دانشجویان دختر آمریکایی به ترتیب عبارتند از: وابستگی، پذیرش خود و کمک به اجتماع. همچنین اولویت اول تا سوم دانشجویان ایرانی به ترتیب عبارتند از: پذیرش خود، سلامتی و کمک به اجتماع.

۳- اولویت بندی اول تا سوم اهداف و آرزوها برای دانشجویان پسر آمریکایی و ایرانی چگونه است؟

مطابق با داده‌ها و تحلیل به عمل آمده، اولویت بندی اول تا سوم دانشجویان پسر ایرانی و آمریکایی به شرح جدول ۳ به دست آمد.

جدول ۳- میانگین نمره دانشجویان پسر ایرانی و آمریکایی در اهمیت اهداف و آرزوها

متغیرها	موفقیت مالی	اجتماع	محبوبیت	همنوایی	پذیرش خود	وابستگی به جمع	سلامتی	لذت جنسی	معنویت	تصویر بدنی
میانگین دانشجویان آمریکایی	۶/۴۹	۷/۳۰	۶/۳۶	۵/۷۲	۷/۶۸	۸/۰۱	۷/۶۸	۷/۲۹	۵/۸۹	۵/۳۸
میانگین دانشجویان ایرانی	۷/۷۰	۷/۴۷	۶/۵۶	۵/۹۹	۷/۷۸	۶/۴۵	۷/۶۹	۷/۲۵	۶/۴۸	۵/۹۶

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود اولویت اول تا سوم دانشجویان پسر آمریکایی به ترتیب عبارتند از: وابستگی، پذیرش خود و سلامتی در حالی که اولویت اول تا سوم دانشجویان پسر ایرانی به ترتیب عبارتند از: پذیرش خود، موفقیت مالی و سلامتی.

۴- آیا بین میانگین اهداف و آرزوهای دانشجویان ایرانی و آمریکایی تفاوت معناداری وجود دارد؟

نقش فرهنگ در اولویت‌بندی اهداف و ... ۱۴۵

برای پاسخ به این سوال که آیا بین میانگین اهمیت اهداف و آرزوها در دانشجویان ایرانی و آمریکایی تفاوت معناداری وجود دارد، آزمون MANOVA انجام شد. در این پژوهش آزمون پیلای تریس برابر ۰/۶۲ معنادار است و  $F_{(10, 363)} = 0/62$ ,  $p = 0/000$  نشان داد که می‌توان فرضیه مشابه بودن میانگین‌های جامعه بر اساس متغیرهای وابسته برای دانشجویان آمریکایی و ایرانی را رد کرد. نتایج آزمون (MANOVA) در جدول ۴ نشان داد که بین دانشجویان آمریکایی و ایرانی از لحاظ اهمیت اهداف و آرزوها در خرده هدف‌های معنویت  $F_{(1,372)} = 5/51$ ,  $p = 0/02$  سلامتی  $F_{(1,372)} = 5/77$ ,  $p = 0/0$  وابستگی  $F_{(1,372)} = 270/25$ ,  $p = 0/000$  همنوایی  $F_{(1,372)} = 15/27$ ,  $p = 0/000$  محبوبیت  $F_{(1,372)} = 6/50$ ,  $p = 0/01$  تصویر بدنی  $F_{(1,372)} = 11/96$ ,  $p = 0/001$  موفقیت مالی  $F_{(1,372)} = 67/68$ ,  $p = 0/000$  تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که می‌توان نتیجه گرفت میانگین خرده هدف‌های معنویت، سلامتی، همنوایی، محبوبیت، تصویر بدنی و موفقیت مالی برای دانشجویان ایرانی بیشتر از دانشجویان آمریکایی می‌باشد: فقط در خرده هدف وابستگی میانگین دانشجویان آمریکایی بیشتر از دانشجویان ایرانی بود.

جدول ۴- نتایج آزمون مانووا بین دو ملیت درباره اهمیت اهداف و آرزوها

منبع	متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	معناداری
	اهمیت لذت جنسی	۳/۱۷	۱	۳/۱۷	۱/۶۸	۰/۲۰
	اهمیت معنویت	۲۶/۵۶	۱	۲۶/۵۶	۵/۵۱	۰/۰۲
	اهمیت سلامتی	۹/۳۷	۱	۹/۳۷	۵/۷۷	۰/۰۲
	اهمیت اجتماع	۰/۸۸	۱	۰/۸۸	۰/۴۴	۰/۵۱
	اهمیت وابستگی	۳۱۳/۱۱	۱	۳۱۳/۱۱	۲۷۰/۲۵	۰/۰۰۰
ملیت	اهمیت پذیرش خود	۱/۹۹	۱	۱/۹۹	۲/۱۸	۰/۱۴
	اهمیت همنوایی	۳۶/۹۰	۱	۳۶/۹۰	۱۵/۲۷	۰/۰۰۰
	اهمیت محبوبیت	۲۲/۵۱	۱	۲۲/۵۱	۶/۵۰	۰/۰۱
	اهمیت تصویر بدنی	۳۳/۶۸	۱	۳۳/۶۸	۱۱/۹۶	۰/۰۰۱
	اهمیت موفقیت مالی	۱۷۲/۶۳	۱	۱۷۲/۶۳	۶۷/۶۷	۰/۰۰۰

۱/۸۹	۳۷۲	۷۰۳/۸۰	اهمیت لذت	
۴/۸۱	۳۷۲	۱۷۹۲/۳۳	اهمیت معنویت	
۱/۶۲	۳۷۲	۶۰۳/۷۹	اهمیت سلامتی	
۱/۹۸	۳۷۲	۷۳۷/۹۰	اهمیت اجتماع	
۱/۱۶	۳۷۲	۴۳۱/۰۰	اهمیت وابستگی	
۰/۹۱	۳۷۲	۳۳۹/۸۴	اهمیت پذیرش خود	خطا
۲/۴۲	۳۷۲	۸۹۹/۱۴	اهمیت همنوایی	
۳/۴۶	۳۷۲	۱۲۸۸/۵۶	اهمیت محبوبیت	
۲/۸۱	۳۷۲	۱۰۴۷/۳۰	اهمیت تصویر بدنی	
۲/۵۵	۳۷۲	۹۴۹/۰۳	اهمیت موفقیت مالی	
	۳۷۳	۷۰۶/۹۷	اهمیت لذت	
	۳۷۳	۱۸۱۸/۸۹	اهمیت معنویت	
	۳۷۳	۶۱۳/۱۵	اهمیت سلامتی	
	۳۷۳	۷۳۸/۷۸	اهمیت اجتماع	
	۳۷۳	۷۴۴/۱۱	اهمیت وابستگی	
	۳۷۳	۳۴۱/۸۴	اهمیت پذیرش خود	
	۳۷۳	۹۳۶/۰۴	اهمیت همنوایی	
	۳۷۳	۱۳۱۱/۰۸	اهمیت محبوبیت	کل
	۳۷۳	۱۰۸۰/۹۸	اهمیت تصویر بدنی	اصلاح
	۳۷۳	۱۱۲۱/۶۶	اهمیت موفقیت مالی	شده

### بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر اولین پژوهش بین فرهنگی است که نقش فرهنگ را در اولویت بندی اهداف و آرزوهای دانشجویان ایرانی با آمریکایی ارزیابی کرده است. نتایج اولین سوال پژوهش نشان داد که اولویت اول تا سوم دانشجویان آمریکایی به ترتیب عبارتند از: وابستگی به جمع، پذیرش خود و سلامت جسمی و اولویت اول تا سوم دانشجویان ایرانی به ترتیب عبارتند از: پذیرش خود، سلامت جسمی و موفقیت مالی. همانطور که

## نقش فرهنگ در اولویت‌بندی اهداف و ... ۱۴۷

ملاحظه شد دانشجویان آمریکایی بیشتر از دانشجویان ایرانی به هدف «وابستگی به جمع» توجه نموده‌اند، در واقع با توجه به تقسیم‌بندی اهداف درونی و بیرونی بر اساس فرهنگ فردگرا و جمع‌گرا، و این نکته که اولویت اول دانشجویان ایرانی (پذیرش خود)، در فرهنگ فردگرا است، بر خلاف انتظار، فردگرایی در دانشجویان ایرانی بیشتر از دانشجویان آمریکایی بود. در حالی که مطالعات پیشین در منطقه خاورمیانه از پایین‌تر بودن فردگرایی حکایت می‌کنند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷). بنابراین، به نظر می‌رسد دانشجویان ایرانی اختصاصاً و برخلاف روند عمومی این منطقه از جهان، دارای فردگرایی بالایی می‌باشند. این یافته‌ها به دو شکل قابل توجیه است: یکی این که برخی شواهد نشان می‌دهد در ایران بین طبقات مختلف تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی قابل ملاحظه‌ای وجود دارد، به خصوص بین طبقه تحصیل کرده و سایر گروه‌ها (ناصری - بهنام، ۱۹۸۵: ۵۵۷). دوم، فضای رقابتی شدیدی که در سال‌های اخیر برای رسیدن به تحصیلات عالی به وجود آمده، ممکن است موجب افزایش ارزش‌های فردگرایی در دانشجویان ایرانی شده باشد. در واقع، مطالعات پیشین نیز نشان داده است که عواملی همچون همنوایی اجتماعی، موفقیت مالی و مواجهه با دیگر فرهنگ‌ها بر شکل‌گیری الگوهای فرهنگی مؤثر است (Triandis, 2001). یک تبیین دیگر می‌تواند این باشد که سطح آرزوها و اهداف در وضعیت‌های گوناگون تغییر پیدا می‌کنند شاید این نتیجه که دانشجویان آمریکایی دارای فرهنگ جمع‌گرا شده‌اند را بتوان در وضعیت‌های گوناگون منطقه‌ای کشور آمریکا دانست (روشبلو و بورونیون، ۱۳۷۰: ۱۲۹). دلیل دیگر بر تبیین این یافته می‌تواند این باشد که با توجه به نتایج پژوهش‌های بین فرهنگی، بسیاری از قوانین محیط‌های شغلی ایران که جزو کشورهای جمع‌گرا طبقه‌بندی می‌شود از کشورهای غربی فردگرا اقتباس شده است (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۴۰). نتایج دومین سوال پژوهش نشان داد که اولویت اول تا سوم دانشجویان دختر آمریکایی به ترتیب عبارتند از: وابستگی، پذیرش خود و کمک به اجتماع. همچنین اولویت اول تا سوم دانشجویان دختر ایرانی به ترتیب عبارتند از: پذیرش خود، سلامتی و کمک به اجتماع. نتایج سومین سوال پژوهش نشان داد که

اولویت اول تا سوم دانشجویان پسر آمریکایی به ترتیب عبارتند از: وابستگی، پذیرش خود و سلامتی درحالی که اولویت اول تا سوم دانشجویان پسر ایرانی به ترتیب عبارتند از: پذیرش خود، موفقیت مالی و سلامتی. نتایج آخرین سوال پژوهش نشان داد که بین دانشجویان آمریکایی و ایرانی از لحاظ اهمیت اهداف و آرزوها در خرده هدف‌های معنویت، سلامتی، وابستگی، همنوایی، محبوبیت، تصویر بدنی و موفقیت مالی تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که می‌توان نتیجه گرفت میانگین خرده هدف‌های معنویت، سلامتی، همنوایی، محبوبیت، تصویر بدنی و موفقیت مالی برای دانشجویان ایرانی بیشتر از دانشجویان آمریکایی می‌باشد، فقط در خرده هدف وابستگی میانگین دانشجویان آمریکایی بیشتر از دانشجویان ایرانی بود. این یافته که دانشجویان ایرانی در هدف معنویت میانگین بیشتری نسبت به دانشجویان آمریکایی داشته‌اند، دور از انتظار نیست و مسلماً چنین انتظار می‌رود که در یک جامعه اسلامی جوانان آن به اهداف معنوی توجه بیشتری داشته باشد. همچنین اگر دانشجویان ایرانی برای خرده هدف‌های (موفقیت مالی، جذابیت بدنی، همنوایی و محبوبیت) اهمیت بیشتری قائل هستند می‌تواند به دلیل به تعویق افتادن سن ازدواج و موانع موجود بر سر راه آن باشد، همچنانکه هزار جریبی و آستین فشان (۱۳۸۸: ۱۳) بیان می‌دارند که سن ازدواج در مقایسه با دو دهه گذشته افزایش یافته است. به زعم محققین این پژوهش اگر موانع موجود بر سر راه ازدواج جوانان از میان برداشته شود و جوانان بتوانند راحت‌تر ازدواج کنند، اهداف جذابیت بدنی، محبوبیت، همنوایی و موفقیت مالی، برای جوانان کم رنگ‌تر می‌شوند و در عوض می‌توانند به اهداف متعالی‌تر مانند معنویت که در اولویت اول تا سوم جوانان جای ندارد بیان‌دیشند. با توجه به این که ما در کشوری اسلامی زندگی می‌کنیم و دین مبین اسلام نیز بر اهمیت ازدواج تاکید فراوان نموده و ارضای غرایز جنسی را در حد نیاز واقعی نه تنها نفی نکرده، بلکه تشویق نیز نموده است، به نظر می‌رسد که جوانان ما تمایل زیادی به ازدواج و تشکیل خانواده دارند اما موانع زیادی بر سر راه ازدواج آنها وجود دارد از جمله این موانع می‌توان به موانع اقتصادی، فرهنگی،

## نقش فرهنگ در اولویت‌بندی اهداف و ... ۱۴۹

اجتماعی، و بی‌توجهی مسئولان اشاره کرد. برای مثال نتایج پژوهش ناستی‌زائی (۱۳۸۵): (۹۱) که در مورد موانع ازدواج دختران طراحی شده بود نشان داد که ۰/۸۴ آزمودنی‌ها عوامل اقتصادی را جزء موانع ازدواج مطرح نموده‌اند. بنابراین در جامعه امروزی خصوصاً کشور ایران به دلیل شرایطی که از لحاظ وضعیت اقتصادی بر آن حاکم است - نتایج پژوهش‌های انجام شده موید این گفته هستند برای مثال نتایج پژوهش یعقوبی منظری (۱۳۸۹: ۷۹) که با هدف مقایسه تطبیقی وضعیت اقتصادی ایران با کشورهای منطقه انجام شد نشان داد که در اثر شاخص‌های مورد بررسی، کشورمان در بین ۲۵ کشور مورد هدف سند چشم‌انداز، موقعیت مناسبی ندارد - طبیعی می‌نماید که دانشجویان ایرانی اهمیت بیشتری برای موفقیت اقتصادی و سایر اهداف مشابه با این هدف قائل بشوند. یافته دوم و سوم پژوهش ناستی‌زائی (۱۳۸۵) نشان داد که ۰/۵۲ و ۰/۸۱ از دختران عوامل فرهنگی و اجتماعی را از موانع ازدواج تلقی کرده‌اند مانند توافق و تفاهم فکری، تشریفات زیاد، خرج‌های اضافی و اسراف در مراسم عقد و عروسی. همچنین یافته‌های چهارم و پنجم تحقیق ناستی‌زائی (۱۳۸۵) نشان داد که ۰/۷۱ و ۰/۸۷ از دختران عوامل بی‌توجهی مسئولان و عدم صلاحیت جوانان را از موانع ازدواج تلقی کرده‌اند. امروزه می‌توان پذیرفت وظیفه دولت در قبال ازدواج ابتدا اشتغال‌زایی برای جوانان است، زیرا اگر جوانان شاغل باشند، خودبه‌خود دارای درآمد بوده و می‌توانند برای ازدواج اقدام کنند. بنابراین برای این که بتوانیم هدف معنویت را که در این پژوهش جزء اولویت‌های اول تا سوم دانشجویان ایرانی نبود در جوانان تقویت کنیم و اهدافی مثل جذابیت بدنی و محبوبیت کمرنگ‌تر شوند می‌توان راهکارهای زیر را پیشنهاد کرد: ایجاد فرصت‌های اشتغال و اولویت به کارگیری زوج‌های جوان، اصلاح مقررات اعطای تسهیلات بانکی در زمینه وام‌های خود اشتغالی، خرید مسکن، و خرید کالا، ایجاد موسسات دولتی و مردمی برای حمایت همه جانبه از مسأله ازدواج، فرهنگ‌سازی در زمینه ازدواج‌های ساده و بدون تجملات و گسترش ازدواج‌های دانشجویی و گروهی، دادن حق انتخاب همراه با نظارت والدین به جوانان برای انتخاب

همسر، فرهنگ‌سازی در زمینه آسان‌گیری خانواده‌ها در امر مهریه، جهیزیه، مراسم، تخفیف در مورد طول خدمت نظام وظیفه سربازان متاهل و انتقال آنها به محل زندگی خود، و از همه مهمتر توجه به حفظ دیانت و عفاف در کنار توجه به زیبایی ظاهری فرد. در مقایسه دو گروه دانشجویان ایرانی و آمریکایی، با توجه به اهدافی که در اولویت قرار داده‌اند شاید بتوان گفت که دانشجویان آمریکایی بیشتر در اولویت‌بندی اهداف خود به دیگران توجه نموده‌اند. شاید بتوان گفت نظریه «فشار محیطی و جمع‌گرایی» اهداف زندگی آنان را تبیین می‌نماید، در حالی که دانشجویان ایرانی بیشترین اهمیت را برای هدف پذیرش خود قائل بوده‌اند در واقع می‌توان گفت نظریه «محرومیت نسبی و فردگرایی» اهداف زندگی آنان را تبیین می‌نماید.

از یافته‌های یاد شده چنین استنباط می‌شود که اول، در بیان اهداف زندگی در بین جوانان به طور کامل وابستگی فرهنگی وجود دارد و دوم آنکه اگرچه ممکن است به لحاظ محتوای اهداف در دو فرهنگ، ظاهراً محتوای یکسانی ابراز شود اما آن محتواها معانی به طور کامل متفاوتی را دارا هستند. از این نظر توصیه می‌شود که اگر این پژوهش‌ها به طور کیفی انجام شوند، یافته‌های غنی‌تری را به دست می‌دهند. در مجموع می‌توان پیشنهادهای ذیل را برای پژوهش‌های آینده مطرح کرد:

- ۱- مطالعات طولی بر روی اهداف و آرزوها در بین دانشجویان می‌تواند تغییرات احتمالی که محیط دانشگاه باعث آن شده است را تبیین نماید.
- ۲- خانواده، گروه همسن و محیط‌های آموزشی از جمله متغیرهایی هستند که احتمالاً می‌توانند بر اهداف زندگی جوانان تاثیرگذار باشند، بنابراین بررسی این عوامل می‌تواند اهداف و آرزوهای زندگی جوانان را روشن نماید.
- ۳- بررسی تفاوت‌های طبقه اقتصادی- اجتماعی و سایر متغیرهای جمعیت شناختی بر روی اهداف و آرزوهای زندگی می‌تواند تصویر روشن‌تری از اهداف زندگی را به دست دهد.



نقش فرهنگ در اولویت‌بندی اهداف و ... ۱۵۱

۴- مقایسه‌های درون‌فرهنگی و برون‌فرهنگی بیشتر بر اهداف و آرزوهای زندگی، شناخت بیشتری را در راه تعامل با فرهنگ‌ها فراهم خواهند ساخت.

### قدردانی

نویسندگان این مقاله در اینجا لازم می‌دانند تا از تیم کیسر<sup>۱</sup> استاد دانشگاه ناکس به دلیل در اختیار قرار دادن داده‌های نمونه آمریکایی، قدردانی کنند.

### منابع

- اسعدی، سید محمد؛ فرناز، اعتصام؛ اچ نایت، کیم؛ اچ الفنباین، مورتون؛ فرزین، رضایی. (۱۳۸۵)، رابطه فردگرایی و جمع‌گرایی با شیوه دانستن مستقل و ارتباطی در دانشجویان ایرانی و آمریکایی، تازه‌های علوم شناختی، شماره، ۲۹.

- آن ماری روشبلاو؛ اودیل بورونیون. (۱۳۷۰)، روانشناسی اجتماعی (مقدمه‌ای بر نظریه‌ها، آیینها در روانشناسی اجتماعی)، ترجمه: سید محمد دادگران، تهران، انتشارات مروارید.

- خیر، محمد. (۱۳۸۸)، مقایسه اهداف زندگی در دانشجویان سال اول رشته‌های علوم تربیتی و روانشناسی در ایران و آمریکا، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، دوره سوم، شماره ۳۹.

- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۸)، ارتباطات بین فرهنگی: ترجمه و تاثیر آن در فرایندهای جذب و طرد، تحقیقات فرهنگی ایران، ۲ (۱).

- علیق، امیمه محسن؛ آگیلاروفایی، ماریا؛ رسول زاده طباطبایی، سیدکاظم. (۱۳۸۸)، الگوی صلاحیت روانی - اجتماعی تایلر: مقایسه دانشجویان ایرانی و لبنانی، روانشناسی تحولی، (۶) ۲۱.

- غضنفری، فیروزه. (۱۳۸۵)، رابطه مفهوم خود و سلامت روانی در فرهنگ شرق و غرب، *مجله پژوهش زنان*، شماره ۱۴.
- لطیفیان، مرتضی؛ بشاش، لعیان. (۱۳۸۳)، مقایسه باورها و عواطف خودنظم ده رشد، در دانشجویان دختر و پسر، در سنین مختلف، *مجله روانشناسی*، شماره ۳۰.
- محمدی، شهناز. (۱۳۸۷)، ارتباط بین فرهنگی دو کشور ایران و هند در خصوص ویژگی‌های شخصیتی و رابطه آن با خشنودی شغلی دبیران، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، ۱۵ (۱).
- مهداد، علی؛ مهدی زادگان، ایران. (۱۳۸۸)، مقایسه رفتار شهروندی سازمانی و رفتارهای ضد تولید در میان کارکنان کارخانه‌جات خودروسازی ایران و مالزی، *یافته‌های نو در روان شناسی*، ۱۲(۴).
- ناستی زائی، ناصر. (۱۳۸۵)، موانع ازدواج دختران، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی* دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم.
- هزار جریبی، جعفر؛ آستین فشان، پروانه. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی موثر بر میانگینسن ازدواج زنان در سه دهه گذشته «۵۵-۸۵»، *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱ (۱).
- یعقوبی منظری، پریسا. (۱۳۸۹)، مقایسه تطبیقی وضعیت اقتصادی ایران با کشورهای منطقه (با تکیه بر اطلاعات بانک جهانی)، *بررسی‌های بازرگانی*، ۸ (۴۴).
- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۷۰). *آشنایی با روان‌شناسی بین فرهنگی*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۷۱). *فرهنگ از دیدگاه علم روانشناسی بین فرهنگی*، *مجله نامه فرهنگ*، سال دوم، شماره سوم.

- Berry, J. , (2002), **Cross-cultural psychology: Research and applications**, Cambridge: Cambridge University Press.

- Berry, J. , Dasen, P. & Sarawathi, T. , (1997), **Handbook of cross-cultural psychology: Basic processes and human development**, Needham Heights: Allyn& Bacon.
- Davis, J. A. (1966), The campus as a frog pond: An application of the theory of relative deprivation to career decisions of college men, **American Journal of Sociology**.
- Deci, E. L. , & Ryan, R. M. (2000), The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior, **Psychological Inquiry**, 11.
- Feldman, D. B. ; Snyder C. R. (2005), Hope and the Meaningful Life: Theoretical and Empirical Associations between Goal-directed Thinking and Life Meaning, **Journal of Social and Clinical Psychology**, 24.
- Gibson, J. L. , Ivancevich, J. m. & Donnelly, J. H. (2004), **Organizations: Behavior, Structure**, processes, (10 thed). NewYork: MCGrow- Hill/ Irwin
- Grouzet, F. M. E. , Kasser, T. , Ahuvia, A. , Dols, J. M. F. , Kim, Y. , Lau, S. , et al. (2005), The Structure of Goal Contents Across 15 Cultures, **Journal of Personality and Social Psychology**, 89(5).
- Halisch, F. , & Geppert, U. (1998), **Motives, personal goal and life satisfaction in old age**. Munech, Germany: Maxplanck Institute for psychological Research.
- Kaplan, M. , Maddux. J. E. (2002), Goals and Marital Satisfaction: Perceived Support for Personal and Collective Efficacy for Collective Goal, **Journal of Social and Clinical Psychology**, 21(2).
- Kasser, T. (1996), Aspirations and well-being in a prison setting, **Journal of Applied Social Psychology**, 26.

- Kasser, T. ,& Ryan, R. M. (1993), A dark side of the American dream: Correlates of financial success as a central life aspiration, **Journal of Personality and Social Psychology**, 65.
- Kasser, T. , & Ryan, R. M. (1996), **Further Examining the American Dream: Differential Correlates of Intrinsic and Extrinsic Coals**, Personality and Social Psychology Bulletin, 22.
- King A. et. al. ( 2006), Positive Affect and the Experience of Meaning in Life, **Journal of Personality and Social Psychology**, Vol. 90, No. 1.
- Kitayama, S. & Cohen, D. (2010), **Handbook of cultural psychology**, NY: Guilford Press.
- Krings, F. , Bangerter, A. , Gomez, V. , &Grob, A. (2008), Cohort differences in personal goals and life satisfaction in young adulthood: Evidence for historical shifts in developmental tasks, **Journal of Adult Development**, 15(2).
- Lee, J. Q. , McInerney, D. M. , Liem, G. A. D. , &Ortiga, Y. P. . (2010), **The relationship between future goals and achievement goal orientations: An intrinsic-extrinsic motivation perspective**, Contemporary Educational Psychology, 35(4).
- Nasehi- Behnam,v. (1985), **Change and the Learning family**, current Anthropology, 26.
- Roberts, B. W. , & Robins, R. W. (2000), **Broad dispositions, broad aspirations**: The intersection of personality traits and major life goals, Personality and Social Psychology Bulletin, 26.
- Roseth, C. J. , Johnson, D. W. , & Johnson, R. T. (2008), **Promoting early adolescents' achievement and peer relationships**: The effects of cooperative, competitive, and individualistic goal structures, Psychological Bulletin, 134(2).

- Ryan, A. M. , &Pintrich, P. R. (1997), Should I ask for help?" The role of motivation and attitudes in adolescents' help seeking in math class, **Journal of Educational Psychology**, 89(2).
- Ryan, R. M. , &Deci, E. L. (2000), **Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation**, social development, and well-being, *American psychologist*, 55(1).
- Segall, M. , Dasen, P. , Berry, J. , Poortinga, Y. (1990), **Human behavior in global perspective: An introduction to cross-cultural psychology**. NY: Pergamon Press.
- Sheldon, K. M. , &Kasser, T. (1995), Coherence and congruence: Two aspects of personality integration, **Journal of Personality and Social Psychology**, 68(3).
- Snyder, C. R. (2002), Hope Theory: Rainbows in the Mind”, *Psychological Inquiry*, 13.
- Thistlethwaite, D. L. , & Wheeler, N. (1966), Effects of teacher and peer subcultures upon student aspirations, **Journal of Educational Psychology**, 57(1).
- Triandis, H. C. (2001), Individualism-collectivism and personality, **Journal of personality** 69(6).
- Triandis, HC, Bontempo, R. Villareal, M. Asai, M. & Lucca, N. (1988), Individualism-collectivism: Cross-cultural perspectives on selfingroup relationships, **Journal of Personality and Social Psychology**,54.
- Triandis, HC, Leung, K. Villareal, MJ, & Clack, FL (1985), Allocentric versus idiocentrictendencies: Convergent and discriminant validation, **Journal of Research in Personality**, 19.
- Pervin, L. A. (1989). **Goal concepts in personality and social psychology**. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

